

نقشه تحول کجاست

۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی

در مأموریت های فرعی واگذار شده، موفق عمل کرده است

باتوجه به اینکه شفافیت علمی بوده و ۱۲ سال نیز در شورای عالی انقلاب فرهنگی حضور داشته و همین مدت هم مسئولیت جهاد دانشگاهی را برعهده داشتید، نقش شورای عالی در پیشبرد برنامه های علمی را چطور می بینید؟ آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی در انجام کار خود موفق بوده است؟

حضرت آقا سه مأموریت به شورای عالی انقلاب فرهنگی داده اند که به نظرم کاملا درست است. باید ببینیم آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی در مأموریت خود موفق بوده است؟ اگر بله، چگونه و اگر نه، چرا؟ همانند تیرتی که چندی پیش روزنامه «فرهیختگان» با محوریت لزوم نشان دادن پیشرفت منتشر کرد را مدنظر قرار دهیم، باید ببینیم شورای عالی در این زمینه چگونه عمل کرده است. از نظر من شورای عالی انقلاب فرهنگی در مأموریت های اصلی خود موفق نبوده ولی در مأموریت های فرعی واگذار شده به شورا کاملا موفق عمل کرده و زحمات زیادی کشیده است. در طول ۱۲ سال که در شورای عالی حضور داشتم به طور کامل شاهد زحمات دبیرخانه بودم. دبیرخانه واقعا تلاش کرد و زحمت کشید ولی علت موفق نشدنش به مسائل برمی گردد که خارج از شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

سه عامل اصلی پیشرفت در هر کشوری توسعه آموزشی، توسعه فرهنگی و توسعه علمی و فنوارانه است. معمولا خیلی از کشورهای در حال توسعه در طول ۴۰، ۵۰ سال اخیر برنامه ریزی خوب در راستای توسعه سعی کرده اند سیاستگذاری عالی در این سه حوزه را خارج از بدنه اجرائی دولت ها انجام دهند تا تغییرات سیاسی دولت ها باعث تغییر برنامه نشود. تعدادی از نخبگان را با حضور دولت انتخاب می کنند و اکثریت نخبگان با ریاست شخص اول اجرائی کشور برنامه ریزی لازم را برای سیاستگذاری عالی انجام می دهند. هر دولتی عوض شود، سیاستگذاری نباید تغییر کند. اصلا فلسفه چنین شوراهای عالی همین است تا سیاستگذاری اصلی را که نشان دهند مسیر دولت ها برای پیشرفت است. خارج از بدنه دولت و در جمع نخبگانی با حضور دولت انجام دهند.

بدرستی هم امام و بعد مقام معظم رهبری، این سه مأموریت را به شورای عالی انقلاب فرهنگی واگذار کردند: تهیه سند تحول آموزشی، تهیه سند مهندسی فرهنگی و تهیه نقشه جامع علمی. در حقیقت سیاستگذاری عالی در سه حوزه «آموزش»، «فرهنگ» و «علم و فناوری» کشور است. از آنجایی که ما سند چشم اندازی نیز داشتیم که توسط مقام معظم رهبری تأیید و ابلاغ شده و باید به آن اهداف برسیم. برای دستیابی به اهداف باید این سه نقشه جامع تهیه می شد و به این ترتیب مأموریت تهیه نقشه ها به شورای عالی انقلاب فرهنگی واگذار شد. اسناد بخشی بسیار مهمی مربوط به همین سه حوزه نیز وجود دارد که باید براساس پیشران های توسعه تهیه شوند.

۹ عدم موفقیت در اهداف چشم انداز را می توان دلیلی

برای ناموفق بودن عملکرد شورا دانست

منظور تان از پیشران ها برای توسعه علم و فناوری چیست؟

اسناد توسعه فیزیکی اقتصادی معمولا براساس آمایش سرزمین تهیه می شود. مثلا اگر پیشران های ما در حوزه نفت، گاز، پتروشیمی، حمل و نقل ریلی و حوزه های علوم نوپدید است، بر مبنای آمایش سرزمینی در کجای کشور باید به طور قانونمند و نظام مند پخش شوند؟ دانشگاه های و دانشگاه های ما در کدام نقاط باشد؟ مجموعه این اسناد شامل نقشه های جامع و اسناد بخشی آنها، آمایش سرزمینی و سایر اسناد مرتبط را به سازمان برنامه و بودجه می دهند تا برنامه های توسعه را بر مبنای این اسناد در راستای دستیابی به اهداف تهیه کند. قرار بود در طی چهار برنامه پنج ساله که افق ۱۴۰۴ بود، به این اهداف برسیم. حاصل همه این موارد چه می شد؟ قرار بود اهداف بلندمدت چشم انداز شامل اقتدار اقتصادی، اقتدار دفاعی، ساخت جامعه الگو در کشور و در نهایت رفاه و سعادت دنیوی و اخروی مردم باشد. الگو بودن از این جهت مدنظر بود که دیگران در کشورهای دیگر متوجه شوند در یک حکومت دینی می توانند هم پیشرفت کنند و هم سعادت دنیا و آخرت شان تأمین شود. چرا شورای عالی انقلاب فرهنگی موفق نبوده است؟ چون این هدف ها در کشور محقق نشده است. پشت پرده اصلی مسائلی که این روزها می بینیم ضد انقلاب از آن سوء استفاده می کند و بر موجش سوار می شود، همین نکته است. بالاخره این اهداف برآورده نشده و مشکلات اقتصادی همچنان وجود دارد. نباید برای یک جوان در کشور، شغل و درآمد خوب و خرید خانه و تأمین پول پیش اجاره خانه و خرید اتومبیل به ارزوهای دست نیافتنی تبدیل شود. مسائل دیگری نیز هست، در حالی که به عنوان یک ایرانی می گویم به راحتی می توانستیم جامعه الگو را بسازیم اما چرا نشد؟ باید تحلیل کنیم و شرایط را برای تحقق بسیار سریع آن فراهم سازیم. پیش تر تعریفی از پیشرفت ارائه کنیم. در جهاد دانشگاهی علاقه زیادی به مطالعه این مسائل داشتیم تا ببینیم دیگران چه کار کرده اند. یک تعریف از پیشرفت این است: «پیشرفت حاصل برنامه ریزی جامع درازمدت و هماهنگ عمل کردن نهادهای مرتبط است». جامع بودن یعنی همه مسائلی که مرتبط با پیشرفت بوده و ممکن است در مسیر پیشرفت؛ مشکلی ایجاد کند، دیده شود. طبیعتا مشکلات باید رفع شوند. هماهنگ عمل کردن نهادهای مرتبط هم یعنی در گردش های سیاسی به هیچ وجه

نیاید اصل برنامه تغییر کند. به نظرم، یکی از مباحث مهمی که در بحث پیشرفت به آن توجه نکردیم، سناریوی تعامل ما با دنیا است. تأکید کنیم تمامی این نکات، برداشته های خودم است. می توانستیم سه سناریو انتخاب کنیم و برنامه را براساس آن سناریو ها بنویسیم. اول: بگوییم نظم موجود دنیا هر قدر هم ظالمانه است را می پذیریم و در آن برای خودمان سهم می گیریم. می بینیم زاین و کره رفته اند و چین و ترکیه نیز در حال رفتن هستند. دوم: نظام ظالمانه را قبول نداریم ولی نمی توانیم بدون تعامل با دنیا نیز حرکت کنیم. بالاخره ظرفیت هایی وجود دارد که باید از آنها در برنامه های پیشرفت خود استفاده کنیم. هوشمندانه در کنارش می نشینیم و استفاده می کنیم. مثالش شاید مالزی و چین از این دست باشند. سوم: اصلا این نظام را قبول نداریم و می خواهیم انقلابی بمانیم. بالاخره یک نظام استکراتیز هستیم و تبعات انقلابی ماندن خود را هم می پذیریم ولی در عین حال می خواهیم پیشرفت کنیم. در هر سه سناریو بحث پیشرفت کشور مفروض و شرط اول است. می خواهیم پیشرفت کنیم و انقلابی بمانیم. از سوی دیگر می دانیم حاصل انقلابی بودن ماحتریم های سخت علیه کشور است ولی باید در مدت زمان کوتاهی، بسیاری از وابستگی هایمان را با برنامه ریزی خوب حل کرده و با دست پر با دنیا مذاکره کنیم چون نمی خواهیم الی الابد تحریم بمانیم. بالاخره یکی از بحث های پیشرفت ما این است که می خواهیم حداقل بین کشورهای همسوی بی طرف، جایگاه های خوب اقتصادی داشته باشیم.

۹ اینکه نیروهای عظیم و خوبی را تربیت و به دیگر کشورها تقدیم می کنیم انکار ناپذیر است

معتقدید امروز باید تعریف جدیدی از پیشرفت داشته باشیم؟

امروز صدور انقلاب از مسیر توسعه اقتصادی و فرهنگی می گذرد. توسعه فرهنگی نیز بر بال توسعه اقتصادی می نشیند و انقلاب را صادر کند. وگرنه شکل دیگری امکان پذیر نیست. اگر از من می پرسیدید: «کدام سناریو را انتخاب می پذیرفتید؟» در پاسخ می گفتم: «سناریوی پیشرفت و انقلابی ماندن»، اما این سناریو باید در بازه های محدود، بسیار هوشمندانه، بی سر و صدا و توسط آدم های کارآمد و کاربلد انجام شود تا دشمن جمهوری اسلامی متوجه شود و با خود بگوید: «ای بابا! ایران به قدری پیشرفت کرده که باید با آن به تعامل برسیم». ماهم نمی خواهیم به تعامل غیرمنطقی با دنیا برسیم ولی اگر می خواهیم این سناریو را انتخاب کنیم، باید آدم های کاربلد، برگزینیم یا نه طرف زمانی بسیار کوتاه برای رسیدن به اهداف تعیین کنیم.

اگر پیشرفت در کشور حاصل نشود و مردم به رفاه نسبی نرسند، همراهی صورت نمی گیرد و مشکلاتی پدید می آید که امروز در کشور با آن مواجه هستیم. انکار ناپذیر است که نیروهای عظیم و خوبی تربیت کرده ایم و به راحتی و دودستی تقدیم کشورهای دیگر می کنیم. آمار جذب نیروهای ما توسط کشورهای خارجی نگران کننده است. ما خود را به لحاظ اخلاقی مقید می دانیم ولی هر کشوری بود نیروهای ما را می برد چون تمام زحمات کشیده شده و صاحب تجربه شده اند، پس چرا از آنها استفاده نکنند؟

۹ دولت ها شورایی عالی انقلاب فرهنگی را به عنوان سیاستگذار قبول نداشتند

جایگاه شورایی عالی انقلاب فرهنگی در این بین کجاست؟

شورای عالی نتوانست سه نقشه مذکور را پیاده سازی کند. یکی از دلایلی که شورا نتوانست نقشه ها را که خوب تهیه کرده بوده و دولت های ما شورای عالی را به عنوان سیاستگذار قبول نداشتند. برخی از مسئولان علنا می گفتند: «شورای عالی انقلاب فرهنگی در قانون اساسی وجود ندارد و ما به عنوان یک سیاستگذار قبولش نداریم». دولت هایی که می گویند: «شورای عالی را قبول داریم»، به عنوان سیاستگذار عالی می پذیرند ولی در عمل قبول ندارند. همیشه این مثال را زدیم که «جسم دولت های ما در شورای عالی انقلاب فرهنگی حضور دارد و روح شان به عنوان سیاستگذار عالی در شورا وجود ندارد، چون شورا را قبول ندارند». عموما دولت های ما وقتی و به عبارتی «راتیر» هستند. وقتی درآمد آسان نفت را دارند، احساس نیاز به کار اقتصادی مردم نمی کنید تا از آن کار، مالیات بگیرید و کشور را بر مبنای مالیات کسب شده اداره کنید. وقتی پول نفت را دارم، چه احتیاجی است سختی زیادی بکشم و سیاستگذاری کنم؟ بهر حال این «راتیر» بودن باعث می شود خود دولت بخواهد سیاستگذار عالی، برنامه ریز اجرائی، مجری و ناظر باشد. هنگامی که چنین حالتی پیش می آید، معمولا کار پیش نمی رود چون خیلی جاهای منافع سیاسی سبب می شود برنامه از مسیر خودش منحرف شود، به همین دلیل نیز می گویند: «یک شورای عالی خارج از بدنه دولت باید این کار را انجام دهد». اصلا خوب نیست که بگوییم: «ما به احترام مقام معظم رهبری در شورای عالی حضور پیدا می کنیم. قره ای الله!»، نه، ما در شورای عالی با تمام وجود و باور حاضر می شویم تا سیاستگذاری عالی انجام دهیم و دولت نیز مجری آن سیاستگذاری عالی باشد. به عنوان فردی که ۴۲ سال از عمرم را صرف این هدف کردم تا بیان کند: «ما به لحاظ علمی و فنوارانه اصلا مشکل نداریم بلکه مشکلات ما ناشی از نبود برنامه ریزی درست در شورای عالی است». دولت های ما باید قبول کنند این سیاستگذاری باید در جای دیگری انجام شود و آنها مجری باشند. تجربه ام می گوید: «ما باید برنامه ریزی های توسعه را نیز توسط همین شورای عالی انجام دهیم یا اگر توسط سازمان